

می‌دانم شهید می‌شوم

برای اولین بار، متن وصیت‌نامه آیت‌الله دکتر محمد علی آل‌هاشم، نماینده ولی فقیه در آذربایجان شرقی منتشر شد.



ایسنا/آذربایجان شرقی برای اولین بار، متن وصیت‌نامه آیت‌الله دکتر محمد علی آل‌هاشم، نماینده ولی فقیه در آذربایجان شرقی منتشر شد.

آیت‌الله سید محمد علی آل‌هاشم، نماینده ولی فقیه و امام جمعه تبریز و مالک رحمتی استاندار آذربایجان شرقی به همراه آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی خدام‌الرضا (ع) و حسین امیر عبداللّه‌یان وزیر امور خارجه، سردار سید مهدی موسوی فرمانده یگان حفاظت رئیس‌جمهور، سرهنگ خلیان سید طاهر مصطفوی، سرهنگ کمک خلیان محسن دریانوش و سرگرد فنی بهروز قدیمی عصر یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ در مسیر بازگشت از مراسم افتتاح سد قیز قلعه سی به سمت شهر تبریز، در منطقه ورزقان استان آذربایجان شرقی در اثر سانحه هوایی هم‌زمان با شب ولادت امام رئوف علی ابن موسی‌الرضا (ع) به مقام رفیع شهادت نایل شدند.

پیش از وی، شهید آیت‌الله محمدعلی قاضی طباطبایی در دهم آبان سال ۱۳۵۸ و آیت‌الله سید اسدالله مدنی در بیستم شهریور سال ۱۳۶۰ به عنوان شهدای محراب به شهادت رسیدند.

متن وصیت‌نامه امام جمعه شهید تبریز به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

((اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله و اشهد انّ علياً وليّ الله))

با سلام به حضرت ختمی مرتب محمد (صلی الله علیه و آل وسلم) و با سلام به حضرت بقیه اله‌الاعظم امام زمان (عج) و نایب بر حقش حضرت آیه الله العظمی امام خامنه‌ای مدظله العالی و روحی له الفدا و با سلام و درود به روح مطهر بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی قدس سره و با سلام و صلوات به ارواح طیبه شهیدان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و مدافعین حرم و با آرزوی صبر و استقامت برای خانواده معظم شهداء سخنانم را به شرح زیر آغاز می‌کنم:

می‌دانم شهید می‌شوم؛

اینجانب سید محمدعلی آل‌هاشم فرزند سید محمدتقی در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل بودم که بعد از شهادت شهید محراب حضرت آیت‌الله مدنی قدس سره و در اوائل ورود حضرت آیت‌الله ملکوتی (ره) به تبریز به امر نماینده محترم امام در آذربایجان و امام جمعه تبریز و با الهام گرفتن از رهنمودهای ابوی گرامی و برادر بسیار ارجمند مرحوم جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای افسری بنا به وظیفه شرعی در تبریز مشغول خدمتگزاری به اسلام و مسلمین شدم و از سال ۷۲ در تهران و با هزاران مشکل و دوری از خانواده و چندین بار خانه بدوش شدن به خدمت ادامه داده و بر این خدمت به درگاه ایزد منان شاکرم و از سال ۸۸ (۲۸ تیرماه) به عنوان نماینده مقام معظم رهبری و رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران از سوی معظم له منصوب شدم که به لطف الهی موفقیت خوبی داشتم، تا اینکه علی‌رغم میل باطنی خود از تاریخ ۱۳۹۶/۳/۱۰ به امر ولی امر مسلمین به عنوان نماینده ولی فقیه در استان آذربایجان شرقی و امام جمعه تبریز منصوب و تاکنون موفقیت‌هایی در این حوزه داشته‌ام.

خدایا تو شاهدی که در مدت خدمتگزاری اگر خیری به اسلام نرساندم سعی نمودم ضرر نرسانم و این را به طور حتم اعتراف می‌کنم که سعی بر این داشتم کسی به جهت اعمال و رفتار و کردار من به روحانیت بدبین نباشد. فلذا به موجب دستور شرعی مقدس اسلام وصیت می‌کنم:

می‌دانم شهید می‌شوم که آرزوی دیرینه خودم می‌باشد در این صورت سه سید شهدای محراب تبریز خواهند بود. به هنگام دفن، حتی الامکان از کفنی که در کربلا خریداری و به حرم مطهر سالار شهیدان حضرت امام حسین (ع) متبرک نموده‌ام، استفاده شود.

اگر ما را تکه تکه کنید، تا خون در رگ ماست، هدیه به رهبر ماست؛

و دیگر اینکه اگر روزی بنده در راه اسلام به درجه شهادت نائل‌آمدم، لاقلاً به جهت امامت جمعه، وصیت‌نامه مرا در نماز پر شکوه و دشمن‌شکن جمعه قرائت نمایند، خدایا به آرزوی خودم برسان، خدایا تو بهتر می‌دانی من حتی بهنگام زیارت هشتمین امام شیعیان در مشهد مقدس و زیارت حضرت اباعبدالله الحسین (ع) در کربلا، برای خود آرزوی شهادت در راه اسلام را داشتم تا هم برای خود توشه‌ای اخذ نمایم و هم اینکه اگر زنده بودم به اسلام نفعی نداشت بلکه شهادتم باعث ترویج اسلام باشد. ولی خدایا باز عرض می‌کنم اگر لیاقت این مقام را دارم به زودی به آرزویم برسان، با اینکه در طول حدود ۳۰ ماه تلاش در زمان جنگ و در جبهه‌های حق علیه باطل، بارها از کنار شهادت گذشتم ولی نصیب من نشد، به قول شهید محراب حضرت آیت‌الله مدنی (ره) من از خدا هرچه خواستم عنایت فرموده ولی شهادت به من نائل نکرد که بالاخره او هم به آرزوی دیرینه خود رسید، روح مطهر او و ارواح تمامی شهدا و مخصوصاً شهید محراب حضرت آیت‌الله قاضی طباطبائی (ره) شادباد.

بلی خدایا اگر بنده در حین سخنرانی می گفتم که اگر لیاقت شهادت را دارم این مقام را به من عنایت فرما، بحسب می گفتم و از صمیم دل بیان می کردم و اگر می گفتم در راه اسلام و در راه انقلاب و در مسیر امام و مقام معظم رهبری روحی له الفداء که همان راه اسلام است اگر مالمان را از دست ما بگیرند، جان خود را از دست بدهیم، حتی ما را تکه تکه کنند، روحمان هم به خاطر آن عهد و پیمانی که با امام و مقام معظم رهبری بسته ایم خواهد گفت؛ «تا خون در رگ ماست، هدیه به رهبر ماست» درست می گفتم.

رهبر، افسوس که یک جان دارم؛

و اما ای رهبر عزیز، اگر روزی خداوند متعال توفیق شهادت عنایت فرمود فقط در حق شما یک افسوس خواهم خورد و آن اینکه رهبر افسوس که یک جان داشتم و یک بار جانم را فدا کردم، ای کاش هزاران جان داشتم و هزاران بار جانم را فدای اسلام و رهبری می کردم و بالاخره باز عرض می کنم چطور می شود دوستانی مانند حسین پورتوانا، میرزا کریم عبداللهی، میرزا یونس عاقل نهند، میرزا محمدتقی عبدی قویدل، مجید، حبیب و عزیز محمد خانلی، مهدوی (خانلی) و مجید احمدواغلی و غیر هم شهید بشوند و ما بمانیم، پروردگار ما را بزودی به شهادای اسلام ملحق فرما.

آمریکا به جهت جلوگیری از صدور انقلاب به منطقه آمده است؛

و، اما ای ملت مسلمان و ای برادران و خواهران حزب اللهی و همشهریان تبریزی چندکلمه ای با شما سخن بگویم در هر جا و در هر مقامی که هستید، آن مسئولیت سنگینی که در قبال شهادای اسلام دارید به نحو احسن انجام وظیفه نموده تا توطئه های داخلی و خارجی مخصوصاً شیطان بزرگ امریکای جهان خوار و اسرائیل غاصب نابود و خنثی شده و در نزد خدا و خلق خدا روسفید باشید، از جمله وظایف سنگینی که امت حزب الله در این موقعیت حساس کشور دارند وحدت خود را حفظ کرده و در تبعیت از ولی فقیه زمان و پیروی از راه امام (ره) و حفاظت از خون های شهدا، دریغ نکنند، دشمن بی جهت به میدان نیامده است، آمریکا به جهت براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی و جهت جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی به بهانه مبارزه با تروریسم به منطقه آمده است، یک روزی افغانستان را با خاک و خون یکسان نموده و روزی ملت مظلوم عراق را تحت فشار قرار می دهد و یک روز جمهوری اسلامی ایران را محور شرارت می نامد و لکن هدف اصلی آمریکا از حضور در منطقه خلیج فارس، در مرحله اول جهت جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی ایران است؛ و در مرحله بعدی حضور و تسلط به منطقه است و همین طور تسلط به نفت منطقه است و هر کشوری که نفت دارد آمریکا با آن کشور دشمن بوده و هست و خواهد بود و همین طور به جهت حمایت و پشتیبانی از اسرائیل غاصب به منطقه لشکرکشی می کند، پس بیایید با وحدت کامل و به دور از اختلاف سلیقه ها، همه در مقابل دشمن یک حرف بزنیم و هم صدا باشیم و از فرامین مقام معظم رهبری اطاعت کنیم تا دشمن مأیوس شود.

اگر بخواهید بدون حضور روحانیت حرکت کنید بالأخره دیر یا زود به انحراف کشیده می شوید؛

و سخن دیگر با امت حزب الله، حضور گسترده در مراسم مذهبی مخصوصاً نماز عبادی سیاسی جمعه و شرکت در مراسم هیئت های عزاداری فراموش نشود، سعی نمایید در هیئت های عزاداری همیشه حضور فعال داشته باشید چرا که هر چه داریم از ائمه علیهم السلام هست، گرچه من به طور مرتب توفیق شرکت در هیئت های عزاداری را نداشتم، اما همیشه آرزو داشتم بهنگام رفتن از این دنیا، هیئتی و حسینی از دنیا بروم.

و اما هیئتی های عزیز از روحانیت فاصله نگیرید و همیشه در هیئت های عزاداری از وجود روحانیت استفاده نمایید و اگر بخواهید بدون حضور روحانیت حرکت کنید بالاخره دیریا زود به انحراف کشیده می شوید، پس همیشه با روحانیت باشید و در نمازهای جماعت پشت سر روحانیون نماز گزارید و برای طول عمر مقام معظم رهبر و مراجع تقلید و موفقیت حوزه های علمیه و برای تعجیل در فرج امام زمان (عج) دعا نمایید و ضمناً سعی کنید هیئت های خود را به هنگام برگزاری نماز جمعه تعطیل نموده و در نماز جمعه شرکت فرمائید.

اما مسؤولان محترم ادارات و نهادها و مسؤولان محترم لشکری و کشوری با آرزوی موفقیت برای شما برادران عزیز در این مسؤولیت های سنگین شما را توصیه می کنم، به خاطر خون های ریخته شده شهادای اسلام، کارتان برای خدا انجام دهید و غیر خدا را در نظر نگیرید و در محیط کار از طرف داری یک شخص و گروه و از سیاسی کاری و باندهازی و تملق و چاپلوسی دوری نمایید و برای این مردم محروم و زحمت کش خدمت نمایید و بر کسی ممت نگذارید و بر این خدمت افتخار کنید که به بهترین خلق خدا خدمت می کنید.

سخنی با پدر بزرگوام

خدایا پدرم را که من نتوانستم حقّ پدری را در حقّ ایشان ادا کنم و نتوانستم به جهت عدم رضایت ایشان در معرفی حضرت ایشان به آحاد مردم عزیز تلاش نمایم، صحت و سلامتی و طول عمر عنایت فرما و این پدر مهربان را در صف پدران شهدا قرار ده. پدری که از سرتاپا تقوی بود و همه کارهایش را برای خدا انجام می داد، چقدر به مستمندان و مستضعفان و در رسیدگی به امور روحانیون تلاش می نمود، ما در طول ۴۰ سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نتوانستیم ایشان را برای انجام حجّ تمتع و یا حجّ عمره اعزام کنیم.

همیشه می گفتند من حدود ۵۶ سال قبل برای حجّ تمتع مشرف شده ام و یک بار هم سه سال قبل از پیروزی انقلاب به عمره مشرف شده ام، فلذا کفایت می کند.

پدرم از مقام معظم رهبری و ولی امر مسلمین مدظله العالی وکالت در امور حسبیّه داشتند حتی یک بار هم اجازه انتشار اجازه نامه ای که از مقام معظم رهبری داشتند، ندادند و اظهار می داشتند خدای ناکرده اگر اجازه نامه فوق را به کسی نشان دهیم، احساس می شود که می خواهیم در تضعیف نماینده محترم ولی فقیه در استان قدم برداریم و چقدر در تقویت نمایندگان

محترم ولی فقیه در استان قدم برمی داشت و در برابر نمایندگان محترم ولی فقیه استان متواضعانه برخورد می کردند، پدر بزرگوار از چندین نفر از بزرگان حوزه های علمیه و مراجع تقلید اجازه اجتهاد داشتند، اما اجازه انتشار آنها را بما ندادند و اظهار می کردند در زمان حیاتم راضی نیستم در این مورد با کسی مطرح نمایید.

تا دیروز فرزند من بودید، از امروز پدر من

در مورد ولایت مداری ایشان باید عرض کنم، مثال زدنی بودند برای نمونه: به هنگام صدور حکم نمایندگی مقام معظم رهبری خدمت معظم له شرفیاب شده بودم، حضرت آیت الله محمدی گلپایگانی عرض کردند: آقا مستحضرید که ابوی آقای آل هاشم امام جمعه موقت تبریز هستند؟ آقا فرمودند بلی در جریان هستم شما کاری نداشته باشید خودشان کنار می آیند و بنده بعد از استقرار در تبریز موضوع فوق را به عرض ابوی محترم رساندم، ایشان فرمودند تا دیروز شما فرزند من بودید ولی بعد از صدور حکم مقام معظم رهبری مدظله العالی شما هم فرزند من هستید و هم پدر من، هر طور صلاح دیدید همان را عمل می کنیم، آری این است معنی ولایت مداری.

برای من گریه نکن؛

سخنی با مادرم

(۱) خدایا مادرم را در صف مادران شهدا قرار بده.

مادر عزیزم در فراق من هیچ ناراحتی از خود نشان مده و استقامت داشته باش، البته شما بهتر می دانید که درس استقامت را باید از مادران شهدا یاد گرفت برای نمونه در زمان جنگ تحمیلی بهنگام مراسم تشییع جنازه شهید احد کمالی در وادی رحمت بودم، مادر شهید کمالی پیکر پاک و مطهر فرزندش را خود داخل قبر کرد و پس از دفن نقل پاشید و در جدائی من برایم گریه نکن که دشمنان انقلاب از این کار سوءاستفاده می کنند ولی خواستی گریه کنی برای شهدای کربلا و سرور شهیدان اباعبدالله الحسین (ع) گریه بکن و این را نیز اعلان کن که برای چه کسی گریه می کنی.

برادران و خواهرم

خدایا برادران و خواهرم را در صف صالحین قرار بده و، امای برادران مهربانم سید محمدحسن و سید محمدحسین شما را توصیه می کنم که از برادر مریضم سید محمدرضا مواظبت کنید در نگهداری ایشان سعی و کوشش نمایید که خداوند پاداش خواهد داد.

همسر عزیزم

از خداوند متعال برای تو نیز آرزوی صبر و استقامت می نمایم و اگر توفیق شهادت نصیبم شد، تو نیز باید افتخار کنی که همسر شهید هستی، درست است که در فراق دخترم سمیه السادات و پسرم سید علی دیدم که چقدر ناراحت شده بودی، اما همیشه صبر پیشه قرار ده.

دوستان عزیز و همکاران گرامی تبریز و تهران

اگر از برخوردهای اداری من ناراحت شدید مرا حلال کنید، البته قصد بدی به کسی نداشتم و خداوند متعال توفیقی داده بود که در طول خدمتم برای همه خوبی کردم و برای هیچ کس بدخواه نبوده و بدی نکردم و مطمئنم برای کسی به جز خوبی قلم و قدم بدی بر نداشتم و اگر کسی بدگوئی کرده و در حق من بدی نموده است سعی کردم با خوبی کردن، بدی او را به خودش برگردانم، خوشبختانه بدی ها را به زودی فراموش می کردم.

فلذا به فضل پروردگار و با استعانت از درگاه الهی و امیدوار به رحمت خداوند متعال و با اعتقاد به حکمیت داور اصلی جهان که خود ناظر است، هر کسی بدی کرده و یا بدگوئی نموده، اگر به خاطر شخص من بوده، می گذرم و می بخشم و لکن اگر به خاطر اسلام و انقلاب و روحانیت به من بدی کرده باشند، نخواهم گذشت و عفو و حلال نمی کنم و آنها را به خدای بزرگ می سپارم که به طور یقین خداوند متعال نیز ناظر بر اعمال است.

استفاده شخصی از امکانات بیت المال را بر خود حرام کرده بود؛

مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه ای دام ظلّه العالی و پدر بزرگوار حضرت آیت الله آل هاشم و دوستان و همکاران گرامی و فرزندانم جهت اطلاع شما به عرض برسانم:

در طول مدت خدمت در مسؤولیت های محوله، ریالی از بیت المال به نفع شخصی برداشت ننموده و بلکه از خودم برای کارهای خیر و عام المنفعه خرج نموده ام و از موقعیت شغلی و مسؤولیت به هیچ وجه سوءاستفاده نکرده ام بلکه از حق قانونی خود نیز استفاده ننموده ام، بهنگام انحلال ادارات عقیدتی سیاسی منطقه ای طرف مدت دو سال در رفت و آمد تبریز، تهران برای کار اداری حدود دو میلیون تومان از پول خود صرف تهیه بلیط هواپیما نمودم درحالی که می توانستم از امکانات بیت المال استفاده کنم.

تجربه خدمت در طول انقلاب اسلامی ایران، نشان داده که وحدت عامل پیروزی است فلذا وحدت آحاد امت اسلامی و ادامه راه شهیدان انقلاب اسلامی را ضامن بقای مقدس جمهوری اسلامی می دانم، بر این باورم که باید فضای محیط کاری، اداری، مسکونی و فرهنگی و... را معنوی نموده تا عنایت خداوند متعال شامل حال همگان گردد، بسیج این یادگار باارزش حضرت امام راحل را کانون وحدت و توسعه فرهنگ اسلام ناب محمدی (ص) می دانم، از بزرگ ترین نعمت های الهی، نعمت بزرگ ولایت را موجب وحدت و نجات از گمراهی ها و پیوند آحاد مردم در راه پیروزی اسلام می دانم و تاکنون در مقام عمل، وفاداری و اخلاص خود را به مقام ولایت به اثبات رسانده ام.

خدمت به خلق خدا را افتخاری بزرگ دانسته و موجب عاقبت به خیری می دانم دوری جستن از سیاست بازی باندبازی، تملق و

چاپلوسی را در محیط اداری، وظیفه شرعی دانسته و کار برای خدا را موجب تقرب به درگاه الهی می دانم. سلامت خودم به خطر افتاده؛

در خاتمه از حسن اعتماد مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه ای مدظله العالی تشکر نموده و به استحضار معظم له می رسانم؛ بنده نیز در مدت ۱۶ ماهی که در مسئولیت نمایندگی معظم له و امامت جمعه تبریز مشغول انجام وظیفه هستم از هیچ تلاشی کوتاهی ننموده و به طور شبانه روزی فعالیت نموده ام به طور یکه می توانم ادعا کنم به اندازه ده ها سال فعالیت نموده ام و جریان مردم داری و با مردم بودن را در سطح کشور رواج داده و اعتماد از دست رفته بعضی روحانیون را با عمل خود برگردانده ام به طوریکه سلامتی خودم به خطر افتاده است.

در نهایت وظیفه خود می دانم مجدداً از زحمات پدر و مادرم که در تربیت من بسیار کوشا بوده اند، تشکر و قدردانی نموده و از حضورشان بخشش می طلبم و امیدوارم به خاطر مریض بودن دو طفل معصوم (سمیة السادات و سید علی) که در اثر گرفتاری کاری و حضور در مناطق عملیاتی و عدم رسیدگی کامل به رحمت الهی پیوستند، خداوند متعال از گناهان و اشتباهات من بگذرد و مورد رحمت و عفو خود قرار دهد در خاتمه از عموم خواهران و برادران محترم و دوستان و آشنایان بزرگوار و همین طور از همسر عزیزم و دختر عزیزتر از جان دلم و پسر عزیزم عزیز دلم و داماد عزیزم و عروس گلم و نوه های عزیزم و برادران خودم و خواهر مهربانم و تمامی فامیل و بستگانم خداحافظی نموده و همه را به خدای بزرگ می سپارم؛ و السلام علیکم و رحمه ... برکاته

سید محمد علی آل هاشم ۱۳۹۷/۶/۲۹

همزمان با عاشورای ۱۴۴۰